

پنجشنبه 30 خرداد 1398 - 16 شوال 1440 - 20 ژوئن 2019

انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط منافقین کوردل در عاشورای حسینی (1373ش)

انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط منافقین کوردل در عاشورای حسینی (1373ش)، در بعدازظهر سی&rlm؛ام خرداد 1372 ش برابر با عاشورای سال 1415 ق، در حالی که مردم عزادار در اوج برگزاری مراسم بزرگداشت قیام تاریخی امام حسین(ع) بودند، توسط منافقین کوردل بمبی داخل حرم مطهر و در نزدیکی ضریح منور امام رضا(ع) در مشهد منفجر شد. در پی این انفجار، ده&rlm؛ها تن از زائران و علاقه&rlm؛مندان اهل بیت(ع) در حرم امام رضا(ع) شهید یا مجروح شدند و خسارت زیادی به حرم رضوی وارد آمد. پس از این اقدام ضد بشری، مقام معظم رهبری حضرت آیت&rlm؛الله خامنه&rlm؛ای طی پیامی فرمودند: "منافقین کوردل نشان دادند که برای حریم مقدس اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نیز هیچ گونه حرمتی قائل نیستند. دشمنان منافق، معاند و سنگدل، با این جنایت نشان دادند که به هیچ یک از موازین انسانی پایبند نیستند و دشمنی آنان با ملت غیور و مؤمن ایران، هیچ حد و مرزی را نمی&rlm؛شناسد".

ردّ شمس، یکی از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روزی پیامبردر کنار علی(ع) آرمید و سر مبارک آن حضرت بر روی پای امام علی(ع) قرار داشت. امام که هنوز نماز عصر خود را به جا نیاورده بود، نتوانست خود را راضی کند که پیامبر را بیدار نماید. بنابراین صبر کرد تا پیامبر، خود از خواب برخاست و امام را محزون دید. چون سبب را دانست، دعا کرد که خورشید بار دیگر باز گردد و امام نماز خود را در وقت خود، ادا کند. این واقعه که در مسجد فضیخ روی داد به "ردّ الشمس" یعنی بازگشت خورشید مشهور گشت.

وفات "حضرت عبدالعظیم حسینی" در شهر ی(252 ق)، حضرت عبدالعظیم بن عبدالله که با پنج واسطه به امام حسن مجتبی(ع) می&rlm؛رسد، از اکابر محدثین و اعظم علما و زهاد و عبّاد بوده و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهم السّلام به شمار می&rlm؛رود. ولادت وی را در حدود سال 173 ق گفته&rlm؛اند. حَقّان دوران عباسی و دشمنی سختی که با علویان روا می&rlm؛داشتند، عبدالعظیم را به هجرت واداشت و او راهی ری گردید و ساکن آن دیار شد. سرانجام این سلاله&rlm؛ی پاک خاندان حسینی و این زاهد پرهیزکار در نیمه&rlm؛ی شوال سال 252 ق در 79 سالگی در ری درگذشت. آن حضرت را شهید و مسموم نیز می&rlm؛دانند. مرقد حضرت عبدالعظیم در ری، زیارتگاه مشتاقان اهل&rlm؛بیت است.

کشته شدن سلطان "جلال&rlm؛الدین خوارزمشاه" و انقراض سلسله&rlm؛ی خوارزمشاهی (628 ق)، بعد از مرگ سلطان محمد، حملات مغولان به ایران ادامه داشت، و بعد از آن بین بازماندگان او بر سر خلافت درگیری پیش آمد و سرانجام سلطان محمد در آخرین روزهای عمرش، یکی از پسرانش به نام جلال الدین را به جانشینی انتخاب کرد ولی پس از مرگ سلطان محمد، بقیه برادران شروع به مخالفت کردند و جلال الدین نیز مجبور بود که با آنها مقابله کند. او بخشی از سپاه پراکنده&rlm؛شاهی پدرش را جمع&rlm؛آوری کرد و به جنگ با مغولان رفت و پیروزی هایی نیز به دست آورد. برای مثال می توان به پیروزی او برای فتح غزنین و قندهار اشاره کرد. ولی این پیروزی ها جهت بازپس&rlm؛گیری حکومت قبلی کار ساز نبود زیرا هرج و مرج و نابسامانی حکومت را فرا گرفته بود. مغولان او را تا رودخانه سند تعقیب نمودند و سرانجام وی به رودخانه زد و از آن عبور کرد و بعد به هندوستان رفت و به مدت یکسال در آنجا ماند و زمان مراجعت به ایران در بخشهایی که هنوز به تصرف مغولها در نیامده بود، شروع به گردآوری سپاه کرد ولی به علت خصوصیات بد او مانند خونخواری و سبک سری، کسی به او اعتنا نمی کرد و او مجبور بود از هر شهری به شهر دیگری فرار کند. عاقبت به تبریز حمله کرد و اتابکان را به قتل رسانده و سرانجام بعد از شکست های متوالی و فرارهای پی در پی در پی 628 هجری قمری در ((میافارقین)) واقع در کردستان به دست شخصی که برادرش به دست جلال الدین کشته شده بود، به قتل رسید. و سرانجام جلال الدین پس از یازده سال حکومت درگذشت و با فوت او حکومت خوارزمشاهی نیز به دست مغولان افتاد.

آغاز انقلاب کبیر فرانسه (1789م)

در اوایل سال 1789م لویی شانزدهم پادشاه فرانسه، با توجه به خالی بودن خزانه با اعلام نوعی حالت فوق&rlm؛العاده، نمایندگان همه طبقات کشور را در مجمعی به نام مجلس طبقات گرد هم آورد اما از حضور مردم عادی در این اجتماع که با حضور اشراف و وابستگان دربار تشکیل شد، جلوگیری نمودند. لویی شانزدهم در نطق افتتاحیه خود در 5 مه 1789م به جایی اینکّه وعده اصلاحات و تغییراتی را به نمایندگان بدهد و آن&rlm؛ها را به طرح و ارائه پیشنهادات اصلاحی ترغیب نماید فقط گفت که وظیفه مجلس، مشورت و اظهارنظر برای حل مشکلات مالی کشور است و به دیگر سخن موظف است برای مالیات&rlm؛هایی که از طرف دولت وضع می&rlm؛شود به نام ملت صخّه بگذارد. هم&rlm؛چنین در این مجلس، به آراء طبقه سوم و پایین اعتنایی نشد و این امر باعث اجتماع ضدسلطنتی آنان گردید. از این&rlm؛رو، در تاریخ 20 ژوئن 1789م سوگند یاد کردند که تا قانون اساسی فرانسه بر پایه&rlm؛های محکمی استوار نشده باشد از هم جدا نشوند. از این تاریخ، انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مجلس مؤسسان شروع به نوشتن قانون اساسی کرد. در این میان ظلم و ستم لویی شانزدهم باعث خشم مردم گردید که در نهایت سر به شورش برداشتند. آنان به مخازن اسلحه دولت حمله&rlm؛ور شده و مقداری توپ و تفنگ به دست آوردند و به طرف زندان باستیل که محل زندانیان سیاسی بوده رفته و آن جا را با خاک یکسان کردند. فتح باستیل که آغاز اصلی انقلاب کبیر فرانسه محسوب می&rlm؛شود، ضربه مستقیمی بود که توسط ملت بر حکومت استبداد وارد آمد. این حوادث، تأثیرات متعددی در فرانسه و حتی دیگر کشورهای مجاور ایجاد کرد به طوری که این انقلاب به عنوان مبداء تاریخ معاصر این کشور به شمار می&rlm؛آید. گرچه انقلاب کبیر فرانسه با شعار فریبنده آزادی، برابری و برادری آغاز شد ولی حاصل آن نه آزادی و نه عدالت بود و نه برادری و برابری. خفقان دوران حکومت رهبران انقلاب کبیر فرانسه از هر دورانی در فرانسه بیشتر و دامنه ظلم و بی&rlm؛عدالتی از هر زمانی گسترده&rlm؛تر بود. رهبران انقلاب فرانسه نه فقط آزادی و عدالت را برای هم وطنان خود به ارمغان نیاوردند، بلکه از تحمل عقاید یک&rlm؛دیگر هم

عاجز بودند و حتي سر بسياري از رهبران انقلاب به دست دوستان و همزمان خودشان زير تيغه گيوتين رفت.